ادامه از صفحه ۵

سوبسید برای ماسک

یک راه‌حل برای اینکه استفاده از ماسک به یک فرهنگ عمومی تبدیل شود، مقرون‌به‌صرفه بودن قیمت برای آحاد مردم است. در اینجا تئوری اقتصادی مبحث یارانه با سوبسید مطرح می‌شود؛ چراکه رگولاتوری قیمت، قوی‌ترین ابزار برای فرهنگ‌سازی است.

اما اصلا سوبسید چیست؟ یارانه یا سوبسید عبارت است از مبلغی کـه دولت و یا یک نهـاد عمومی برای حمایت از تولید یا مصرف یـک کالا یا خدمت، کمک می‌کند تا قیمت آن در سـطح پایینی قرار گیرد. یارانه تخفیفی است که دولت برای تهیه کالاهای اساسـی یا قیمت‌های کم یا مقرون‌به‌صرفه در اختیار جامعه قرار می‌دهـد. کالاهای یارانـه‌ای غالبا با قیمتی بسـیار کمتر از هزینه تولید یا حتی به صورت رایگان قیمت‌گذاری می‌شوند. یارانه کمک می‌کنـد تا اقلام ضروری مانند غـذا، دارو و دیگر اقلام ضروری در دسترس افراد نیازمند باشد.

یارانه بـرای حمایت از مصرف یـک کالای خاص مثلا مصرف شیر که دارای آثـار مثبت بیرونی اسـت و سیاسـت‌گذاران یک کشـور مصرف آنها را برای جامعه مفید می‌دانند یا برای حمایت از یـک بخش خاص مثـلا برای بخـش آموزش یا کشـاورزی یا سـلامت تعلق می‌گیرد. فرض بر این اسـت کـه اعطـای یارانه به این کالاهـا یا بخش‌هـا، در نهایت موجب افزایـش رفاه جامعه می‌شـود. اعطای یارانه به یک کالا، به دلیل کاهش قیمت، انگیزه بـرای مصرف آن کالا را افزایش می‌دهـد و موجب افزایش تولید شـده و مصرف‌کنندگان را قادر می‌کند بـه محصولات و کالاهای ارزان‌قیمت دسترسـی داشته باشـند. در مقابل، مالیات، کارکردی عکس یارانه دارد؛ چراکه با وضع مالیات، قیمت کالا افزایش یافته و آن کالا کمتر مصرف می‌شـود؛ مانند مالیات بر مصرف سیگار یا سـوخت‌های فسـیلی. در مجموع، اعطای یارانه با هدف افزایش رفاه و عمومی اجتماعی است.

با توجه به شـرایط امـروز ایران که پیش‌بینی می‌شـود میزان ابتلا به بیماری کووید ۱۹ در ماه‌های آینده ممکن است رکودهای نگران‌کننده‌ای بر جای بگذارد و ویروس کرونا مانند اسبی چموش در حال تاختن به مرزهای سلامتی خانواده‌هاسـت و دائم بر قلمرو و سـیطره خود می‌افزاید، ضروری اسـت اقدامات شدیدتری برای مقابله با کرونا انجام گیرد. سیاست اعطای یارانه به تولیدکنندگان ماسـک اقدامی پیشـگیرانه، هرچند با تاخیر، بـرای محافظت از هموطنان در مقابل این بیماری مهلک اسـت. تخصیص یارانه برای تولید ماسک، هم تولید و هم مصرف ماسک را افزایش می‌دهد. این سیاست باعث می‌شـود که ماسک با قیمت بسیار مناسبی در اختیار مصرف‌کنندگان قرار گیرد. این یارانه شامل هزینه‌های ایجاد خط جدید تولید ماسـک، تقویت و تجهیز خط تولید موجود، تهیه مواد اولیه، ایجاد آزمایشـگاه‌های کنترل کیفیـت و مواردی از این قبیل می‌شـود. به‌عنوان یک نمونـه بین‌المللی، در هنگ‌کنگ، هر تولیدکننده ماسک تا سه میلیون دلار یارانه دریافت می‌کند.

درعین‌حـال لازم اسـت قراردادهـایی کـه بـین دولـت و تولیدکنندگان ماسـک منعقد می‌شود، از جامعیت کافی برخوردار باشـد. به‌عنوان مثال تولیدکنندگان مشـمول یارانـه، ثبت هیچ شرایطی مجاز به صادرات مسـک‌های تولیدی نیسـتند. ماسک‌ها همچنیـن به لحاظ کیفیت و دارابودن اسـتانداردهای منذیر باید تحت نظارت و کنترل قرار گیرد. تولیدکننده ضمانت دهد که میزان تولید مشـخصی را به صورت ماهانه در اختیـار دولت یا نماینده دولت (وزارت بهداشت یا وزارت صمت) قرار دهد. تولیدکننده اگر از تعهـدات خود عدول کرد، مجازات‌هایـی برای او در نظر گرفته شود. درعین‌حال تولیدکنندگان مجاز باشـد مازاد تولید ماسـک را بـر اساس تعهدات قرارداد در بازار به فروش برسـانند. برای اطمینان از اسـتفاده صحیح از بودجه عمومی، دولت باید به طور مرتـب عملکرد تولیدکنندگان تولیـد مشـمول یارانـه را در دوره قرارداد که می‌تواند یک سـاله باشـد، تحت نظارت قرار دهد. ضمن اینکه فرایندهای عقـد قرارداد با تولیدکنندگان و اعطای مجوز به آنها باید خارج از بوروکراسـی معمول و سـریع‌تر انجام شود. البته لازم اسـت جزئیات نحوه پیگیری ماسـک در قالب یک مطالعه کارشناسـی گوناگومدت، مـورد مداقه قرار گیرد. یک نمونه از این جزئیات این اسـت که نباید روی قیمت ماسـک، مالیات بر ارزش افزوده اعمال شود.

از سـوی دیگر، نظارت بر نحوه «توزیع» ماسـک‌های یارانه‌ای هم مهم اسـت تا از اقتصاد سـیاه‌اندام اجتماعی جلوگیری شود. به عبارت دیگر، توزیع ماسـک به همان اندازه تولید اهمیت دارد. قیمت عرضه ماسـک‌های یارانه‌ای می‌تواند تا یک‌سوم قیمت بازار برای متقاضیان تعیین شـود و از سـوی فروشندگان متخلف جریمه شـود. قیمت و تعداد اعطای ماسـک به هر خانـوار، می‌تواند بر حسب وضعیت اقتصادی خانوار و نیز مناطق قرمز، زرد و سفید شـیوع کرونا متفاوت باشـد. توصیه می‌شـود در مناطق کرونایی قرمز، ماسک به صورت رایگان توزیع شود.

درعین‌حال به موازات عرضه ماسک ارزان، دولت باید استفاده از ماسـک در اماکن عمومی را اجباری و اسـتفاده‌نکردن از آن را مشمول جریمه کند. سـلامتی مردم جای هیچ‌گونه مسامحه‌ای را تحت تاثیر به مرزهای سلامتی خانواده‌هاسـت و دائم بر قلمـرو و سـیطره خود می‌افزاید. ضروری اسـت اقدامات شدیدتری برای مقابله با کرونا انجام گیرد. سیاست اعطای یارانه به تولیدکنندگان ماسـک اقدامی پیشـگیرانه، هرچند با تاخیر، بـرای محافظت از هموطنان در مقابل این بیماری مهلک اسـت. تخصیص یارانه برای تولید ماسک، هم تولید و هم مصرف ماسک را افزایش می‌دهد. این سیاست باعث می‌شـود که ماسک با قیمت بسیار مناسبی در اختیار مصرف‌کنندگان قرار گیرد. این یارانه شامل هزینه‌های ایجاد خط جدید تولید ماسـک، تقویت و تجهیز خط تولید موجود، تهیه مواد اولیه، ایجاد آزمایشـگاه‌های کنترل کیفیـت و مواردی از این قبیل می‌شـود. به‌عنوان یک نمونـه بین‌المللی، در هنگ‌کنگ، هر تولیدکننده ماسک تا سه میلیون دلار یارانه دریافت می‌کند.

درعین‌حـال لازم اسـت قراردادهـایی کـه بـین دولـت و تولیدکنندگان ماسـک منعقد می‌شود، از جامعیت کافی برخوردار باشـد. به‌عنوان مثال تولیدکنندگان مشـمول یارانـه، ثبت هیچ شرایطی مجاز به صادرات مسـک‌های تولیدی نیسـتند. ماسک‌ها همچنیـن به لحاظ کیفیت و دارابودن اسـتانداردهای منذیر باید تحت نظارت و کنترل قرار گیرد. تولیدکننده ضمانت دهد که میزان تولید مشـخصی را به صورت ماهانه در اختیـار دولت یا نماینده دولت (وزارت بهداشت یا وزارت صمت) قرار دهد. تولیدکننده اگر از تعهـدات خود عدول کرد، مجازات‌هایـی برای او در نظر گرفته شود. درعین‌حال تولیدکنندگان مجاز باشـد مازاد تولید ماسک را بـر اساس تعهدات قرارداد در بازار به فروش برسـانند. برای اطمینان از اسـتفاده صحیح از بودجه عمومی، دولت باید به طور مرتـب عملکرد تولیدکنندگان تولیـد مشـمول یارانـه را در دوره قرارداد که می‌تواند یک سـاله باشـد، تحت نظارت قرار دهد. ضمن اینکه فرایندهای عقـد قرارداد با تولیدکنندگان و اعطای مجوز به آنها باید خارج از بوروکراسـی معمول و سریع‌تر انجام شود. البته لازم اسـت جزئیات نحوه پیگیری ماسـک در قالب یک مطالعه کارشناسـی گوناگومدت، مـورد مداقه قرار گیرد. یک نمونه از این جزئیات این اسـت که نباید روی قیمت ماسـک، مالیات بر ارزش افزوده اعمال شود.

از مجموع، کرونا یک عـدم قطعیت اسـت؛ بنابراین حداکثر احتیاط را می‌طلبد. راه‌حل‌های قاعده‌بازی مثل ایمنی گلدای که گاهی اینجا و آنجا مطرح می‌شود، ممکن اسـت پیامدهای خطرناکی برای کشـور داشته باشـد. افزایش تولید و توزیع ماسک منجر به تصعید موقعیت بحران‌ایزکوئه روش‌هایی اسـت که بهای اندکی برای جان ارزشـمند مردم قائل‌انـد. همچنین، برای عدم قطعیت‌ها، ابداعه به‌موقع، اجبـار حیاتـی دارد. در موج بعدی نه‌تنها کنترل، بلکه مدیریت کرونا هم سـخت‌تر می‌شـود و لازم است از قبـل، تمهیداتـی برای کاهش شـدت آسـیب‌های آن اندیشیده شود.

ادامه از صفحه ۴

والدین، اولین شهروندان دیجیتال

سـنگاپور یکی از معدود کشورهایی است که به شکلی گسترده، بسـترهای یادگیری آنلاین را توسعه داده اسـت. اما همه کشورها قادر به انجام این کار نیسـتند. مدارسی که بتوانند به بهترین شکل ممکن در این شرایط خدمات مناسـب را ارائه کنند، اغلب مدارس خصوصـی و بین‌المللـی‌ای هسـتند کـه قبلا در آمـوزش آنلاین سـرمایه‌گذاری کرده‌انـد. اما بسـیاری از مـدارس، عمدتا مدارس دولتی، برای این بحران آماده نبودند؛ پس زمینه گسـترش شـکاف وجود دارد.

نکته مهم دیگر، بودجه کشورهاسـت که در این شرایط کاهش یافتـه و این کاهش بـرای بخش آموزش نیز صـدق می‌کند. ابتدا باید مدرسـان، معلمان و والدین با نحوه صحیح اسـتفاده از فضای مجازی و آموزش آنلاین آشـنا شوند که نیازمند هزینه است و نباید فراموش کرد که این نوع آموزش برای افزایش ایمنی آنلاین کودکان از اهمیـت فراوانی برخوردار اسـت. در دنیای کنونی، بسـیاری از والدین تصور می‌کنند کودکان از نظر اسـتفاده از فناوری بهتر از آنها عمل می‌کنند که ممکن اسـت از نظر عملی به دلیل تفاوت نسـل و شکاف سـنی بین آنها دست داشـته باشـد؛ بااین‌حال، والدین به‌عنوان شـهروندان اصلی دیجیتالی که مجموعه‌ای از مهارت‌های زندگی امـروزی ازجمـله مدیریت حریم خصوصـی را بهتـر از کودکان می‌دانند، قطعا باید به کودکان خود تشـخیص و شناخت داده‌های شـخصی و نحوه اسـتفاده از آنها در فضای مجازی را مانند دنیای واقعی آموزش دهند. حیاتی اسـت به والدین کودکان درباره رفتارها و شهروندی دیجیتال آموزش‌های جامع و کاملی داده شود؛ زیرا در شرایط همه‌گیری بیماری کووید۱۹، خطرات سایبری از طریق فضای مجازی، اعتیاد به بازی یا روابط آنلاین، همه به‌هم‌پیوسته هسـتند و از دلایل اصلی آنها، آگاهی‌نداشـتن والدین، عدم تعیین زمان و نظم و انضباط و استفاده کنترل‌نشده اسـت.

کودکان بر حسـب ضرورت، در شرایط فعلی در دنیای دیجیتالی قرار خواهند گرفـت؛ پس باید به فیلترهای اخلاقی و تربیتی مجهز شوند. باید با توانمندسـازی آنها، نحوه تفکر صحیح را پرورش داد تا مانند زندگی واقعی، خطر را تشـخیص دهند و سـپس تصمیمات درسـت را به صورت آنلایـن بگیرند؛ نـه اینکه از اسـتفاده از این فناوری‌های نوین به کلی محروم شـوند. این پایه‌ای خواهد بود که آنهـا قبلِ جدیـدی را در دنیای دیجیتال باز کنند. باید ریسـک را به آیا خود کاربرانی دانا و مسـئول هسـتند؟ آیا از فناوری تنها برای تراکنش‌های مالی، بازی و سرگرمی و گذران اوقات فراغت استفاده می‌کنند یا به‌عنوان یک شـهروند دیجیتال، روش صحیح استفاده از فناوری را می‌آموزند تا خود الگوی مناسبی برای فرزندانشان باشند؟

بدیهی اسـت محدودکردن زمان آنلاین‌بـودن، در خانواده‌های امروزی دشـوار اسـت. شاید قبل از بحران کرونا، این فضا بیشتر برای سرگرمی استفاده می‌شـد؛ زیرا بچه‌ها روزانه حداقل شش ساعت را در مدرسـه می‌گذراندند، ولی الان امکان دسترسی برای کل روز میسـر اسـت. چه‌بسـا به دلیل محدودیت‌های تردد، استفاده از این امکانات برای رفع کسـالت و جلوگیری از افسردگی کودکان در منزل، به توصیه و تشـویق والدین بی‌محابا بیشـتر نیز شـده باشد. تأکید می‌شود که بررسی نشـان داده کشـور مدت زمان کاربری و انتخاب و گزینش نوع محتوایی که از سـوی کودکان تماشا می‌شود، نه‌تنها اثر منفی ندارد، بلکه در افزایش سـلامت روحی و جسـمی و بهبود نمرات مدرسـه و رفتارهای اجتماعی نیز مؤثر اسـت. کنترل‌کردن به معنای محدودیت و اسـتفاده‌نکردن نیسـت، بلکه باید به کودکان آموخت هدف از آنلاین‌بودن چیسـت. باید به آنها کمک کرد زمان را مدیریت کنند و همچنین عوارض جانبی اسـتفاده نامناسـب را برای آنها تشریح و شفاف کرد.

الگوی کسـبی سایبری در سراسـر جهان با وجود تنوع زبانی و فرهنگی تقریبا مشـابه اسـت و احتمالا تحت تاثیر تجارت آنلاین، رسـانه‌های اجتماعی و بازی‌ها قرار دارد. بنابراین برای محافظت از کودکان، به یک اقدام بایسـته نیاز اسـت که مانند تمامی آموزش‌ها و تجربه‌های کودکان در سـایر امور زندگـی، از مربوت خانواده آغاز خواهد شد. برای مثال، زبان نسـبت به ایالات متحده با انگلیس از خطر سایبری کمتری برخوردار اسـت. سـیاست‌های مقرراتی استفاده از فضای مجازی در ژاپن، اروپا بهتر از ایالات متحده با انگلیس نیست، بلکه برای از محافظه‌کارانه‌ترین اقدامات. در واقع در اختیار قرانداد دسـت‌های دلالی تلفن همراه به خـانواده‌ها از سوی والدین در سـنین مشخصی اسـت که زمینـه‌سـاز فعالیـت و حضور آنها در و رسـانه‌های اجتماعی و بازی‌ها در سنین مناسـب‌تر و با آگاهی بیشتر می‌شود که این نحوه به دانش والدین بستگی دارد. اقدام محافظتی دیگر به سیار مؤثر بود، فراهم‌آوری محیط زندگی امن و با اعتماد در خانواده است. نوع تربیت فرزند به‌عنوان شهروند دیجیتال اقدام محافظتی بعدی اسـت. البته که حمله سایبری فراتر از کنترل والدین اسـت. اما اعتیاد به بازی تحت تاثیر تعامل والدین با فرزندانشـان اسـت. حمله سایبری بیشتر با آموزش در مدرسـه، روابط اجتماعی و استفاده از رسانه‌های جمعی مرتبط است.

در شـرایط کنونی، نظارت دیجیتالی و حمایت از دیجیتالی‌کردن آموزش و زندگی فرزندان، در کنـار تمین امنیت مجازی کودکان از سوی خانواده‌ها بسیار حائز اهمیت است. والدین باید از اقدامات شـتاب‌زده برای اسـتفاده از فناوری‌ها اجتناب کننـد و از تحقیق و بررسـی کافی، بـه اسـتفاده از روش‌هـای مثبـت فناوری‌ها به برنامه‌ریزی درست برای آینده فرزندشـان بینندیشند. از سوی دیگر، شرایط کنونی وجوبی فراهم کرده که والدین دانش و مهارت خود را برای حضور در فضای دیجیتال به‌روزرسانی کنند. سطح آگاهی خود را افزایش دهند و بر مبنای فرهنگ و شرایط خانواده خود برای اسـتفاده از این دنیای جدید، تدبیر کنند و از هم‌اکنون رویکرد درست خانواده برای دوران بـیکاروا را که حتما حضور در فضای مجازی و اسـتفاده از فناوری‌های نوین بیش‌ترکنـ‌ترر خواهد شد، مشخص کنند. رویکـردی که اخلاقی و بر محور بیشـرفت فکر و مهارت دیجیتالی باشـد. با وجوب محافظت از داده‌های شـخصی، به‌ویژه برای اطلاعات مرتبط با کودکان. علت کلام اینکه به خلق یک چارچوب اسـاسی از دور نظر اسـتفاده نیاز است تا بتوان راهبردهای مؤثر را یافت و شـهروندان دیجیتال خردمندی را برای نسل بعد رشد و توسعه کنی کشور به صحت و درستی تربیت کرد.

ماکارشناس ارشد اقتصاد ارتباطات و فناوری اطلاعات

عکس: امیر جدیدی

غلامرضا نظربلند، احتمال نزدیکی چین در برنامه راهبردی ۲۵ ساله با ایران را بررسی می‌کند

خطر چینی‌سازی اقتصاد ایران

چین نه تک ستاره است و نه بستر روابط راهبردی با اژدهای زرد فراهم است

شکوفه حبیب‌زاده

«چین نه تک‌سـتاره اسـت که نورافشـانی فقط مختص آن باشـد و نه ستاره که‌مفروغی کاملا متفاوت اسـت). این ترجیح بلامرجح را بر آن می‌دارد که همه تخمیرهای‌هایمان را در سـبد آن شکوز بگذاریم و در کلیت اقتصادی کشـورمان جایگاهی احصاری برای آن قائل شـویم و به‌این‌ترتیب عملا به استقبال خطر «چینی‌سازی» اقتصادمان برویم». و در این صورتی مشـکلاته به ظرفیت خودمان در ایفای نقش «تولزکری» در منظومه حکمروایی و سیاست چینی اشاره می‌کند و تلویحا هشدار می‌دهد که در صورت نزدیکی به چین در غیـاب رابطه با دیگر اول چهار ظرفیت مزیـور عملا راکد خواهد ماند و کشـورمان را از یکی ارزیک‌ترین مزیت‌های خود محروم خواهد کرد. نظربلند می‌گوید: «ما (ایران) با رویکرد موجودمان به سیاست خارجی، با هیچ کشوری نمی‌توانیم روابط راهبردی داشته باشیم... و تا در، یوی این پاشنه می‌چرخد، هم نخواهیم داشت؛ ازاین‌رو تا وقتی که سرمشـق (پارادایم) چینی‌ها، سـیاست خارجـی و اقتصادی فارغ از ایدئولوژی اسـت. ازروابط راهبردی فی‌مابین نمی‌توان دم زد و برنامه ۲۵ ساله هم به فرض انجام، به سـرانجام نمی‌رسد و به توسعه ختم نمی‌شـود». او در بخش دیگری از این گفت‌وگو تاکید می‌کند: «دولتمردان چین، زیرکانه این پیام را صادر می‌کنند که ایران تـا وقتی که با نتش‌زایی وداع نگفته و در روابط منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای که در نتیجه‌سـوء نتش‌زایی نکنیم و جنگ وقائی با آن داشته باشیم؛ بنابراین با یک توانه بیایم و از هنجارهای متعارف تاثیر بر سیاسـت عملی بیـروی جنبه از حداکثر به همین سطح کنونی باقیمانده است. ایران هم باید بتواند به‌ویژه در روابط منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای که در نتیجه‌سـوء نتش‌زایی نکنیم و جنگ وقائی با آن داشته باشیم؛ بنابراین با یک توانه بیایم و از هنجارهای متعارف تاثیر بر سیاسـت عملی بیـروی جنبه از حداکثر به همین سطح کنونی باقیمانده است. ایران هم باید بتواند به‌ویژه در روابط منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای که در نتیجه‌سـوء نتش‌زایی نکنیم و از آن در راستای تعدیل یا تغییر رویکرد موجود جمهوری اسـلامی در قبال مسائل منافقه‌برانگیز همه‌ای و روابط خارجی، کارسـازی کنند. با فرض صحت این کمانه‌زنی، می‌توان ادامه احتمالی چینی‌ها را «مهار ترم» نامید.

روابط راهبردی داشته باشـیم. عملا گزینه دیگری به غیر از چین نداریم (مسئله روسیه کاملا متفاوت اسـت). این ترجیح بلامرجح را بر آن می‌دارد که همه تخمیرهای‌هایمان را در سـبد آن شکوز بگذاریم و در کلیت اقتصادی کشـورمان جایگاهی احصاری برای آن قائل شـویم و به‌این‌ترتیب عملا به استقبال خطر «چینی‌سازی» اقتصادمان برویم».

و در این صورتی مشـکلاته به ظرفیت خودمان در ایفای نقش «تولزکری» در منظومه حکمروایی و سیاست چینی اشاره می‌کند و تلویحا هشدار می‌دهد که در صورت نزدیکی به چین در غیـاب رابطه با دیگر اول چهار ظرفیت مزیـور عملا راکد خواهد ماند و کشـورمان را از یکی ارزیک‌ترین مزیت‌های خود محروم خواهد کرد. نظربلند می‌گوید: «ما (ایران) با رویکرد موجودمان به سیاست خارجی، با هیچ کشوری نمی‌توانیم روابط راهبردی داشته باشیم... و تا در، یوی این پاشنه می‌چرخد، هم نخواهیم داشت؛ ازاین‌رو تا وقتی که سرمشـق (پارادایم) چینی‌ها، سـیاست خارجـی و اقتصادی فارغ از ایدئولوژی اسـت. ازروابط راهبردی فی‌مابین نمی‌توان دم زد و برنامه ۲۵ ساله هم به فرض انجام، به سـرانجام نمی‌رسد و به توسعه ختم نمی‌شـود». او در بخش دیگری از این گفت‌وگو تاکید می‌کند: «دولتمردان چین، زیرکانه این پیام را صادر می‌کنند که ایران تـا وقتی که با نتش‌زایی وداع نگفته و در روابط منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای که در نتیجه‌سـوء نتش‌زایی نکنیم و جنگ وقائی با آن داشته باشیم؛ بنابراین با یک توانه بیایم و از هنجارهای متعارف تاثیر بر سیاسـت عملی بیـروی جنبه از حداکثر به همین سطح کنونی باقیمانده است. ایران هم باید بتواند به‌ویژه در روابط منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای که در نتیجه‌سـوء نتش‌زایی نکنیم و از آن در راستای تعدیل یا تغییر رویکرد موجود جمهوری اسـلامی در قبال مسائل منافقه‌برانگیز همه‌ای و روابط خارجی، کارسـازی کنند. با فرض صحت این کمانه‌زنی، می‌توان ادامه احتمالی چینی‌ها را «مهار ترم» نامید.

شاید اگر چینی‌ها هم پای کار بیایند، درصد برآیند که با واردشدن از درصد دوستی و مشارکت با کشورمان، اهرم‌های فشار روی آن را به درجه تعدیل یا تغییر رویکرد موجود جمهوری اسلامی در قبال مسائل منافقه‌برانگیز همه‌ای و روابط خارجی، کارسازی کنند. با فرض صحت این کمانه‌زنی می‌توان اقدام احتمالی چینی‌ها را «مهار ترم» نامید

**چین هنوز نتوانسته است بین «مؤلفه‌های قدرت» خود «همترازی» ایجاد کند و در بعضی جهات، عقب‌افتادگی خود از کشورهای بزرگ صنعتی غربی را جبران کند. این کشور هرچند «غول اقتصادی» شده، اما هنوز «کوتوله سیاسی» است (همان اصطلاحی که در زمان جنگ سرد درباره آلمان غربی به کار برده می‌شد) و در نظر قدرت نظامی هم با وجود کسب پیشرفت‌های درخورتوجه در زمینه ساخت جنگ‌افزارهای سنگین و راهبردی ازجمله ناو هواپیمابر و ایجاد پایگاه در برخی نقـاط خلیج‌فارس، تجربه جنگی مستقیم درخورتوجهی را در چند دهه گذشته در خود نداشته و توجه به نیرسانده است. این در حالی اسـت که آمریکا، هرچند شـوروی‌نخاند، جنگ‌های زیادی را در همین بازه زمانی در سه قاره آسـیا و آفریقا و اروپا راه انداخته، یا با همپیمانان اشـکال و بنهان خود هدایت و راهبری کرده و ساقط‌شـدن رژیم‌های مسـتقر در آن کشـورها و حتی تجزیه خاک آنها و در نتیجه تغییر جغرافیای سیاسی مناطق جهان را رقم زده اسـت. این بی‌تجربگی جنگی، فراغ از بحث ایرانـی، عمدتا از دیگ جنگ محافظه‌کارانه آمریکا در دوران جنگ‌آمروه با دوموج ضعف فرار می‌دهد و پیروزی بر این دشـمن جنگ‌آمروه را دشـوار می‌کند. فاصله جیـوپلیت آمریکا با دیگـر حوزه‌هـا و زمینه‌ها و صنعت‌ها نیز خیلـی کمتر از این نیسـت. به‌عنوان مثال صنعت آموزش عالی در آن کشـور با وجود پیشرفت‌های شـگفت‌انگیزش، هنوز فاصله معنی‌داری با آمریکا که آموزش عالی بهترین صنعت آن اسـت، دارد. بسیاری از دوسـو دانشـگاه‌های برتر جهـان در آمریکا قرار دارد و تقریبا یک‌سـوم دانشـجویان خارجی خود را در این کشور تحصیل می‌کنند. دومین اقتصاد جهان، بـه لحاظ سـاختار و هجاز و برنامه‌ریزی حقوقی بین‌المللی هم در تراز جهانی نیسـت، چراکه نه‌تنها در این زمینه نهادسـازی نکرده، بلکه ولا و متناوران حقوقی و دادوراتش هم جایگاهی متناسـب در محاکم و داوری‌های بین‌المللی به دسـت نیاورده‌انـد. این ترجیح بلامرجح‌بودن حالت توانسـته اسـت به نهادهای حقوقی و سیاسـی بین‌المللی رخنه کند و به این طریق اهداف بیدا و بنهان خود را پی گیرد. این کشور در مقایسـه با قدرت نخسـت جهان که برنده‌تر و بهره‌مـند از مظاهر گوناگون قدرت نرم اسـت، جز چند برند نامی در حوزه و شـبکه‌های ارتباطاتی و فناوری اطلاعاتی و کسـب‌وکارهای مجازی و از این قبیل، فعلا منابع زیادی برای عرضه ندارد. به‌علاوه فلاه سرمایه اجتماعی در تراز جهانی اسـت. کمار کشاند و مخترع و مکتشف برجسته‌ای را می‌توان یافت که از چین (به‌ویژه چینی‌های سـرزمین اصلی) برخاسته باشـد و کشـر شـهروند چینی را می‌توان یافت که به دریافت جوایز نفیسـی نائل آمده باشـد یا نظیر حکما و فلاسـفه و اندیشمندان و نویسـندگان غربی به رشحات فکری و قلمی‌شـان ارجاع داده شود و شـهره خاص و عام شده باشـد. افزون بر این، آن‌همه دستاورد اقتصادی و فناوری و تولید ثروت و مکنت، چیـن را از انزوای درون‌زا و تاریخی بیرون نیاورده و متحدانی برای آن دسـت‌وپا نکرده و منازعات اروپی و مرزی با همسـایگان را از سر راه آن برنداشته است. چین در دریای جنوبی (بـه عبارتـی چین جنوبی)، همسـان دریایی که یک‌سـوم تجارت خارجی جهان از آن می‌گذرد، هم با آمریکا سـر سـتیز پیدا کرده اسـت. احتمال دارد که جنـگ این دو قدرت در آینـده نامعلوم در ایـن دریا اتفاق بیفتـد. همان‌طور که گفته شـد، چین در چند دهه گذشـته جنگ مسـتقیمی را تجربه نکرده و جز با دو کشور، آن هـم به طور نیم‌بند، با هیچ کشـوری پیمان دفاعی نبسـته و همـکاری نظامی و امنیتی ایجاد نکرده اسـت. حال آنکه آمریکا با ۷۰ کشـور جهان اتحاد نظامی و همکاری امنیتی دارد. خلاصه کلام، کشـور ازدهای زرد با وجود برخورداری از قلمرو سرزمینی وسیع، پیشینه تاریخی غنی، اقتصاد بالنده و بیشرو، مردم منضبط و بس کوشـنده و ایفاگری نقش برجسـته کارخانه‌داری جهان و ایجاد زنجیره تامین و با وجود اهتمام در راسـتای بارگیری‌های منطقـه‌ای و فرامنطقه‌ای و گسـترش نفوذ بـه اقصانقاط گیتی، ازجملـه مناطق بکر آفریقا و کرانه اروپایـی اتلانتیک و نیز انجام مگاپروژه‌های سرمایه‌گذاری استراتژیک مانند ایجاد جاده ابریشم نوین (موسـوم به یک کمربند، یـک راه) و هدف‌گذاری در جهت دسترسـی به آب‌های خلیج فـارس و دریای عمـان و اقیانوس هند و از این قبیل، بااین‌حال از برخی ضعف و کاسـتی‌های بزرگ مانند فقدان یا حداقل نقصان متحد راهبردی، فقدان وارسـتگی و کاریزمای سیاسی لازمه قدرت هژمون، ضعف قدرت نرم و فقدان نهادسازی حقوقی و هنجارسازی مالی و تجاری، توسعه‌نایافتگی بازارهای سرمایه و پولی و مـتخصا صنعت خدمات مالی با وجود پیشـرفت‌های درخورتوجه و ابداعات و ابتکـارات و نوآوری‌های آن در راه‌انـدازی رمزارزها و تجاری‌سـازی بلاک‌چین‌ها و از این قبیل، برخـی «کیی‌برداری‌های نابرابر با اصل» از دسـتاوردهای علمی و فنـاوری غربی و در یـک کلام، فقدان اصالت برخـی مصنوعات و تولیدات داخلی رنج می‌برد. طرفه آنکه، چین هرچند در زمینه‌هایی چون میزان رشدیافتگی اقتصادی سرآمد جهانیان بوده و از باب تمثیل یک‌شـبه به صـدسـاله پیموده، با این ویجود در حال حاضـر فاقد «عرض» کافی برای کسـب قدرت سیاسـی و حکمرانی به «طول» جهانی اسـت. به نظر می‌رسـد هیئت حاکمه مقتدر کشـور ازدهـای زرد بـا درک ایـن ناترازی‌ها، درصـدد رفع و رجوع آن اسـت تا سـپس اگر نتواند جایگزین سـردمدار کنونی نظام کنونی شـود، حداقل مشـارکت در قـدرت را به آن بقبولانـد. نکته تکمیلی آنکـه چین هرچند با وجود برخی کژافکویی‌ها، نه ابرقدرت اسـت و نه حتی یک کشور با اقتصاد توسـعه‌یافته، اما تنها کشـوری اسـت که می‌تواند در آینده به‌عنوان شـریک قدرت نخسـت جهان عرض‌اندام کند. این به آن دلیل اسـت که آن کشـور ظرفیت تبدیل‌شدن به یک قدرت منطقه‌ای را دارد؛ ظرفیتی که حتی روسـیه هم از آن برخوردار نیسـت. چین اگر بتواند «جعبه ابزار قدرت» خود را تقویت و تکمیل و بر نتارزی‌های مؤلفه‌های غیراقتصادی قدرت سخت و نرم خود در شاخه‌های نظامی، سیاسی، رسـانه‌ای و حتی کنرمپایی فائق آید، بدل به قدرت منطقه‌ای بالفعل در جهان خواهد شد.

با این اوصاف، ظرفیت چین برای تبدیل‌شـدن به قدرت بزرگ منطقه‌ای، فرصت مناسـبی برای نزدیک‌ترشدن به این کشور را در اختیار ایران قرار نمی‌دهد؟

اگـر از این منظر که چین جزو دارد قدرت منطقه‌ای می‌شـود باید با آن روابط سـتحکم‌تری برقرار کرد به موضوع نگاه کنیم، پس باید به طریق ایلی همین کار را به آمریکا و سایر قدرت‌های جهانی هم داشـته باشیم. شاید شـما بگویید آمریکا با ما دشمن اسـت و اروپا هم با ما میانه خوبی ندارد که قطعا بحث درخوری نیسـت و جواب رد داد که جای آن اینجا نیسـت. اما مجاتان این را عـرض می‌کنم که چین اگر قدرت هم نمی‌بود، باید از آن رابطه می‌داشتیم؛ چراکه هر کشوری در سپهر سیاست سناره‌ای دارد که نمی‌شـود آن را نادیده گرفت. چین که نکسـتاره اسـت نورافشـانی فقط مختص آن باشـد و نه ستاره کمفروغی اسـت و باید در زمره خمودچند کشـور معمولی جهان قرار داشـت و با آن رابطه‌ای همچون دیگران داشـت. چین، چین اسـت نه یک قدرت منحصربه‌فرد و نه یک کشور در تراز سایر کشورهای دیگر؛

حال باید شـما را به آن در غیاب رابطه با آمریکا و با وجود روابط سرد با اروپا، برای چین «وزن نکستاره» قائل شده‌اید؟

اگر وزن نکسـتاره هم قائل نشـده باشـیم، چین از حد خود به آن وزن داده‌ایم. پیشـینه این وزن‌دهی به‌ویژه در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ زمان جنگ هشـت‌سـاله سپری‌کرد که بسـیاری از بازرهای سرمایه و پولی و مـتخصا صنعت خدمات مالی با وجود پیشـرفت‌های درخورتوجه و ابداعات و ابتکـارات و نوآوری‌های ازجمله جیوپلیتیک اصفهان یادان داد. دلای رای مثبت به قطعنامه ۱۹۲۹ از مصادیـق بـارز جرکت چین و سیاسـت خارجی آن در جهت مخالف ما به شـمار می‌رود. این قطعنامه از خشـن‌ترین قطعنامه‌های شـورای امنیت علیه ایران اسـت که به موجب آن، سپاه و کشـتیرانی تحریم شدند، بازرسی تمام محموله‌های ایران مجوز کرفت و چین‌های کلاسـیک به ایران ممنوع شد. اگـر بکویم تاکنون رفتـار چین در قبـال قطعنامه‌های تحریمی علیه تهران با رفتار واشـنگتن در این خصوص یکسـان بوده اسـت، سـخن به کزاف نکفته‌ایم. آنها به تمـام قطعنامه‌های تحریمی شـورای امنیت سـازمان ملل علیه ما که نوعا اینکار عمل آمریکا تجاری ما را بیسـت‌جهان را بسـت و طنز تلخ آنکـه عملا ما را خیلی بیش از چین به چیـن نیازمند کنـرد. برخورد چین‌ها در اینجا به غایت سالوسـانه بود؛ چراکه از یک طرف در راسـتای انجام بدهسـتان‌های سـیاسی با آمریکا با هزینه اندکی، با دادن رای مثبت به قطعنامه‌های تحریمی علیه ما، در سـتن آن درها روی مذاکـرات دیگـری جسـتند و از طرف دیگـر، بنجرهای برای دورزدن تحریم‌ها روی ما کشـودند! در زمانـی که نفت به‌مثابه طـلا بود و متقاضی فراوان هم داشـت و معامله‌ای هم نقدی می‌فروشـد، اما بعدها معلوم شـد یکن نه‌تنها همزمان به عراق هم اسـلحه می‌فروخته، بلکه میزان آن نیز چهـار برابر فروش پول آن دسـت نمی‌یافتیم، بلکه شاهد رسـوب آن در بانک‌های فروش اسـلحه به آن اشـکالات خاص خـود را دارد. اینکه یک دولت رسمی، همزمان به دو کشور در حال جنگ سلاح بفروشد، آدم را به یاد نازلترین دسته سوداگران مرگ می‌اندازد که به یک کشـور در حال جنگ